



ریشه اصلی مشکلات صنعت پتروشیمی به ازهم گسیختگی زنجیره ارزش بازمی گردد؛ رخدادی که از آن گاهی به طنز با تعبیر «انفجار بزرگ» یا Big Bang یاد می کنیم. واگذاری شتاب زده و غیرکارشناسی واحدهای پتروشیمی موجب فروپاشی زنجیره ارزش در این صنعت شد

در حوزه تأمین خوراک پایدار، ایده محوری ما این بوده است که تا حد امکان خوراک مورد نیاز واحدهای تولیدی را از دل زمین و از طریق سرمایه گذاری در بالادست تأمین کنیم. در این زمینه دو مسیر موازی را دنبال کرده ایم.

در گام اول، با توجه به محدودیت ها و تنگناهای وزارت نفت و شرکت ملی گاز در تأمین نیاز واحدهای پتروشیمی، تصمیم گرفتیم با ورود به حوزه بالادست و سرمایه گذاری در استخراج و بهره برداری، بخشی از نیاز خوراک را تأمین کنیم. در همین راستا، مذاکرات مثبت و سازنده ای با وزیر محترم نفت درباره مشارکت هلدینگ خلیج فارس در توسعه میدان گازی کیش انجام شده است. همچنین اجرای پروژه هایی نظیر خطوط لوله دارخوین در غرب کارون، در زمره برنامه های میان مدت ما در حوزه بالادست قرار دارد. افزون بر این طرح های جمع آوری گازهای مشعل در غرب کارون توسط پالایش گاز هویزه و شرق کارون توسط پالایش گاز بیدبلند خلیج فارس در همین راستاست.

در مسیر دوم، با توجه به ناترازی برق و انرژی، همکاری سه جانبه ای را میان هلدینگ خلیج فارس، وزارت نفت و وزارت نیرو دنبال می کنیم. در همین چهارچوب، سرمایه گذاری در حوزه انرژی های تجدیدپذیر و طرح پنج هزار مگاواتی تولید برق در دستور کار قرار گرفته است. گام های اولیه در این حوزه برداشته شده و اولین واحد فتوولتائیک به زودی در بیدبلند افتتاح می شود و فرآیند نصب آن تا پایان سال جاری تکمیل خواهد شد. در بخش دوم سؤال شما، یعنی تأمین مالی طرح ها و پروژه ها، به سمت بهره گیری از سازوکارها و ابزارهای نوین مالی حرکت کرده ایم. در همین راستا، شورای مالی هلدینگ با حضور صاحب نظران برجسته حوزه مالی که سابقه مسئولیت هایی چون وزارت، ریاست بانک مرکزی و سازمان بورس را داشته اند، تشکیل شد.

بر مبنای طراحی ها و تصمیمات این شورا، بازار سرمایه را به یکی از منابع اصلی تأمین مالی پروژه ها تبدیل کردیم. سال گذشته حدود ۶ هزار میلیارد تومان و در سال جاری ۱۲ هزار میلیارد تومان از طریق بازار سرمایه تأمین مالی انجام شده است.

ارزش بازار حدود هزار همتی هلدینگ خلیج فارس در بورس نیز یکی از پشتوانه های اصلی ما برای تأمین مالی طرح های بزرگ صنعت پتروشیمی، از جمله ایجاد یک عسلویه جدید در مکران محسوب می شود. انتشار اوراق مرابحه یورویی به ارزش ۱۵۰ میلیون یورو و اوراق مرابحه دلاری به ارزش ۷۰ میلیون دلار از دیگر ابزارهای تأمین مالی ما بوده است. همچنین طی نشست هایی با بورس و مرکز مبادله ارز و طلا، مقدمات تأمین حدود ۹۸۰ میلیون دلار اوراق مرابحه ارزی دیگر نیز برای تکمیل

می کنیم. تردیدی ندارم که اگر این تشریک مساعی به نتیجه برسد، شاهد تحولات مؤثری در این صنعت خواهیم بود.

در اقدامی دیگر، برای حل مسأله اساسی خوراک، هماهنگی مؤثری میان هلدینگ خلیج فارس، شورای رقابت و شرکت ملی صنایع پتروشیمی شکل گرفت و تلاش شد تا از مسیر اخذ مصوبه از شورای سران قوا، این چالش ساختاری پیگیری شود.

پیش از حضور در جایگاه مدیریت این مجموعه بزرگ صنعتی، چه تصویری از مشکلات و ظرفیت های آن داشتید و با تجربه و یافته های یکسال اخیر چه بخشی از این تصور پیشینی تان تغییر کرده است؟

در مسئولیت های پیشین خود به اشکال مختلف با صنعت پتروشیمی در ارتباط بودم. در دوران وزارت بازرگانی، با بازار، محصولات و صادرات پتروشیمی سروکار داشتیم؛ در وزارت صمت، سهم صنعت پتروشیمی در چرخه تولید و سرمایه گذاری بویژه در حوزه پایین دست این صنعت از موضوعات جدی بود و در دوران وزارت کار و تأمین اجتماعی نیز شرکت های پتروشیمی وابسته به شستا و سایر صندوق های بازنشستگی در کانون توجه قرار داشتند.

با این حال، طی یک سال اخیر و در مسئولیت هلدینگ خلیج فارس، با واقعیت های تازه ای از ظرفیت ها و فرصت های نهفته این صنعت روبه رو شدم. چه در سطح ستاد و چه در خط مقدم تولید، با مجموعه ای از توانمندی ها، استعدادها و خلاقیت ها مواجه هستیم که به رغم تمامی مشکلات هر ناظری را به آینده این صنعت امیدوار می کند.

با وجود این سرمایه انسانی ارزشمند، حقیقتاً حضور و خدمت در این مجموعه را مایه افتخار خود می دانم و با اطمینان می گویم که هلدینگ خلیج فارس این توان را دارد که ده ها مدیر در تراز جهانی تربیت کند.

در یک برآورد واقع بینانه مدیریتی، مهم ترین مسائل و چالش های صنعت پتروشیمی امروز ایران چیست؟

بارها تأکید کرده ام که ریشه اصلی مشکلات صنعت پتروشیمی به ازهم گسیختگی زنجیره ارزش بازمی گردد؛ رخدادی که از آن گاهی به طنز با تعبیر «انفجار بزرگ» یا Big Bang یاد می کنم. واگذاری شتاب زده، غیرکارشناسی واحدهای پتروشیمی موجب فروپاشی زنجیره ارزش در این صنعت شد.

در نتیجه، امروز دغدغه اصلی مدیران این است که آیا طرح های جدید پس از اجرا، خوراک پایدار خواهند داشت یا پس از تولید، توجیه اقتصادی لازم را خواهند یافت یا خیر. پس از این اتفاق خسارت بار، متأسفانه تلاش مؤثری برای ایجاد یک نظام تنظیم گری یا رگولاتور هوشمند جهت مهار تبعات این واگذاری ها صورت نگرفت.

سال ها با خلأ جدی آینده نگری و نبود یک نهاد رگولاتور مقتدر مواجه بودیم. با این حال، پس از حضور دکتر عباس زاده که از بدنه کارشناسی به سطوح عالی مدیریتی صنعت پتروشیمی رسیده اند، امیدواری ما برای احیای نقش تنظیم گری شرکت ملی صنایع پتروشیمی افزایش یافته است.

علاوه بر این، با هماهنگی و تعامل مثبتی که امروز میان هلدینگ خلیج فارس، وزارت نفت، وزارت کار و سایر ارکان صنعت پتروشیمی شکل گرفته، امیدوارم بتوانیم برآثر منفی این گسست زنجیره ارزش غلبه کنیم.

پس از این موضوع، دو چالش اساسی دیگر صنعت پتروشیمی، تأمین خوراک پایدار و تأمین مالی پروژه هاست. اگر نتوانیم ساختاری پایدار برای تأمین خوراک فراهم کنیم، تمامی تلاش ها و سرمایه گذاری های چندین ساله با مخاطره جدی مواجه خواهد شد. تأمین مالی پروژه ها نیز به همان اندازه حیاتی است؛ چراکه هرگونه توقف یا تأخیر در اجرای طرح ها، به هدررفت منابع مالی و انسانی منجر می شود.

اتفاقاً سؤال بعدی من هم در همین راستا است که شما طی یک سال اخیر، دو هدف راهبردی مدیریت هلدینگ خلیج فارس را تأمین خوراک پایدار و تأمین مالی طرح ها و پروژه ها با نوآوری در روش ها و منابع عنوان کردید؟ چه میزان این دو وعده مهم محقق شده است؟

